

با زینب ایمان طلب، نویسنده کتاب «بزرگ شدن در سپیدان»

خواب («سوده») رامی بینم و با اومی دوم!

اشاره: «بزرگ شدن در سپیدان» داستانی براساس نقاشی‌های کودکان محاصره‌شده فوعه و کفریای سوریه است که زینب ایمان طلب آن را نوشته است. از نکات درخورد توجه کتاب، کششی است که لایه‌لای ماجراهای آن دیده می‌شود و مخاطب می‌خواهد در پس هر صفحه بداند که «بعد چه می‌شود؟» نویسنده کتاب به خوبی توانسته است این عنصر مهم را در ساختار داستان حفظ کند. فضاسازی‌های خیال‌انگیز و تصویرگری زیبایی کتاب هم به جذابیت اثر اضافه کرده اما نکته اصلی این است که موضوع داستان به جنگ، مقاومت و مبارزه با ظلم پرداخته و نویسنده خواسته است اخبار رویدادهای آن را در قالب داستانی رخ داده در فضایی بین‌المللی و غیرایرانی به کودکان نشان دهد. به نظر می‌رسد در این کار و باورپذیری شخصیت‌ها و ماجراها نیز موفق بوده است. با زینب ایمان طلب درباره ابعاد مختلف این داستان گفت‌وگو کردیم.

۴ جهان فانتزی کتاب در ذهن شما چطور شکل گرفت؟ این‌که صندوقچه شده راه ورود به سرزمین سپیدان، افراد در آن سرزمین کوچک و بزرگ می‌شدند و میوه‌ها برق داشتند.

برای من این‌طوری باب نوشتن داستان باز شد که از طرف انتشارات راه‌یار یک سری نقاشی فرستاده شد و گفتند که «این نقاشی‌ها برای بچه‌های یک اردوگاه جنگی و بچه‌های جنگ‌زده است. این بچه‌ها آنجا بودند و درباره سه سال محاصره که در کفریا تجربه کردند نقاشی کشیده‌اند. شما این نقاشی‌ها را نگاه‌کن و یک داستان با موضوع مقاومت و ظلم‌ستیزی بنویس».

موقع دیدن نقاشی‌ها درباره سوریه و کفریا جست‌وجو کردم. حقیقت این است که در ابتدا طرح‌هایی که می‌زدم فانتزی نبود؛ یعنی بیشتر خیالی بود و حیوانات نقش اصلی را به عهده داشتند و بعد هر قدر می‌گذشت می‌دیدم حق مطلب در این طرح‌هایی که می‌زدم ادا نمی‌شود.

کم‌کم به این نتیجه رسیدم که می‌خواهم شخصیت‌ها انسانی باشند نه حیوانات. ولی شخصیت‌های انسانی یک مشکل داشت چون موضوع مدنظر خیلی تلخ بود؛ پس به‌نیظم فانتزی می‌توانست از آن تلخی کم کند، تمثیل‌انگاری در مقایسه بهتر می‌تواند به مخاطب کمک کند تا منظور و مقصود نویسنده را درک کند. از این جهت من دو جهان خلق کردم اما بحث صندوقچه که مطرح شد من حین تحقیق درباره سوریه به این موضوع برخورددم که سوری‌ها هنری دارند که روی چوب کارهایی انجام می‌دهند و با سنگ و چوب وسایلی می‌سازند. این مسأله از فرهنگ سوریه بود و من صندوقچه را انتخاب کردم که به آن هویتی بدهم تا همه اینها، بحث هویت‌های فرهنگی و عقیدتی آن مردم را برساند.

۵ فانتزی خوان هستید؟ مطالعه کتاب‌های فانتزی چقدر در پرداختن بهتر یک اثر فانتزی نقش دارد؟

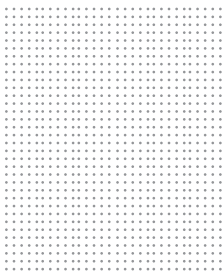
من هم فانتزی می‌خوانم هم رئال؛ یعنی نمی‌توانم بگویم که فانتزی خوان حرفه‌ای هستم یا فانتزی فقط می‌خوانم. به‌نیظم پایه افسانه‌ها و داستان‌های کهن که پایه افسانه‌پردازی داشتند در این مؤثر است که بتوان یک ذهنیت فانتزی داشت در نوشتن یک داستان و خب کتاب‌های فانتزی هم کمک می‌کند؛ حتی فیلم‌هایی که در آن فانتزی خیلی پررنگ است. اینها می‌تواند کمک کند که ما اصول خلق یک جهان فانتزی را درک و رعایت کنیم.

۶ فکر می‌کنید اگر این داستان را فانتزی نمی‌نوشتید باز هم می‌توانست پیام و حق مطلب خود را منتقل و ادا کند؟

ببینید شاید اگر می‌خواستم برای یک نوجوان ۱۴-۱۵ ساله یا ۱۶-۱۷ ساله بنویسم، می‌توانستم فانتزی را کنار بگذارم و او را با یک سری تلخی‌های مستقیم و عریان مواجه کنم و خیلی واضح به او بگویم که چه مسائل و مصائبی در جنگ مطرح است و چه چیزهایی مانع عدالت و صلح است ولی برای این گروه سنی نمی‌شد؛ یا باید شخصیت‌ها خیالی می‌بودند یا در دنیای خیال‌انگیز می‌گذشت. من خیلی زهر کار را گرفتم، یعنی می‌توانم بگویم از آن همه فاجعه‌ای که در آن مدت رخ داد، شاید خیلی خیلی اندک به مخاطب چشاندم.

۷ یکی از مسائلی که در خوب درآمدن یک داستان مؤثر است، تعداد شخصیت‌ها و شخصیت‌پردازی هر یک از آنهاست.

من یک سری موضوعات داشتم که می‌خواستم این مسائل را در داستان بگنجانم و هر شخصیت باید نماد یکی از این



من خیلی زهر

کار را گرفتم

یعنی می‌توانم

بگویم از آن همه

فاجعه‌ای که در

آن مدت رخ داد

شاید خیلی خیلی

اندک به مخاطب

چشاندم



ماجرای می‌بود و هم این‌که برای رمان کودک ما خیلی نمی‌توانیم شخصیت را وارد ماجرا کنیم؛ یعنی چون طولانی است و مخاطب قرار است با این شخصیت‌ها ارتباط بگیرد و آنها را به ذهن بسپارد.

۸ سعید و سوده باورپذیر خلق شدند؛ چرا که خصلت‌های‌شان ساده است و ما نیز گاهی سعید درون‌مان پررنگ می‌شود و گاهی سوده، فعال. تجارب زیسته شما چقدر در امر شخصیت‌پردازی این دو بچه کاربرد داشت؟

حقیقت این است که من هم دختر دارم هم پسر. موقعی که داشتم این داستان را می‌نوشتم پسرم خیلی کوچک‌تر بود و شاید هنوز آن نقش جنسیتی‌اش پررنگ نشده بود که من بخواهم در شخصیت‌پردازی یک پسر از آن استفاده کنم اما همیشه این ماجرای که بین سعید و سوده بود شاید ماجرای است که از موقعی که ما حق و باطل را تشخیص می‌دهیم از موقعی که می‌فهمیم خوبی هست و بدی هست، از موقعی که وارد جامعه و چالش‌های مسائل اطراف‌مان می‌شویم برای ما وجود دارد که گاهی اوقات که داریم مسیر را درست می‌رویم پرسشی از خودمان بپرسیم که آیا الان اینجا باید تعامل کنیم یا اینجا باید سازش کنیم، اینجا باید مبارزه و مقاومت کنیم و اینها چالش‌هایی است که در مسیر زندگی هرکسی برایش پیش می‌آید و این‌که من این دو را انتخاب کردم تا بگویم این مسائل هم ممکن است نه تنها در یک فرد، در یک خانواده هم مطرح شود. همچنین حل‌شدنش در یک خانواده و به‌وجود آمدن این تعارض در خانواده چالش خیلی بزرگی است و این‌که در همین خانواده هم حل شود شیرینی خاصی دارد.

۹ تصویرگری کتاب بسیار به جذاب‌شدن داستان کمک کرده است. کدام تصویر در کدام بخش داستان را بیشتر دوست داشتید؟

اولین واکنش به هر کتاب کودکی معمولاً واکنش به تصویرگری و طرح جلد آن است. مدیر هنری انتشارات و مجموعه راه‌یار با هوشیاری آقای چشرخ را برای تصویرگری این کتاب انتخاب کردند و او هم با حوصله و هوشمندی، شخصیت‌ها را طراحی کرده است. خود من با تصویردویدن سوده خیلی ارتباط گرفتم. چیزی که بارها بهش فکر کردم و خوابش را دیدم و توی دلم با سوده دویدم.

«مقاومت» مخصوص بزرگسالان نیست!

است. انتقال ارزش‌هایی از کارکردهای ادبیات است؛ چه نویسنده هوشیارانه این کار را بکند چه غیرارادی. با توجه به دایره ارزشی که دارد انتقال‌دهنده درون‌مایه‌ای به مخاطب است. هر نویسنده‌ای دلیل شخصی برای نویسندگی دارد. من در عین حال که نوشتن برای کودکان و سفر به دنیای خیالی کودکان را دوست دارم یکی از دغدغه‌هایم بیان مطالب و اخبار و رویدادهایی است که عامدانه در رسانه‌ها و کتاب‌ها در حال حذف شدن است.

نیاز دارد که در رفاه باشد، ما هم می‌خواهیم همه کودکان در رفاه و آرامش کودکی‌شان را بگذرانند؛ اما دست‌کم با همان چالش‌های دوره کودکی درگیر باشند نه با چالش‌های آدم‌بزرگ‌ها و همان چالش‌هایی که در کودکی دارند باعث رشد آنها شود نه چالش‌هایی که بزرگسالان دارند ولی این واقعیت متأسفانه شکل دیگری برای بچه‌ها رقم می‌خورد. موضوع مقاومت مخصوص بزرگسالان نیست. مقاومت عصری است که با زندگی روزمره ما گره خورده

معمولاً در دنیا نگاه این است که کودک باید کودکی کند و در دوران کودکی، بچه‌ها نباید درگیر جنگ و دفاع و مقابله شوند و کودکی که دوره کودکی طولانی‌تری داشته باشد بزرگسالی با کیفیت‌تری دارد و نباید در کودکی نقص مالی و رفاهی داشته باشد ولی واقعیت دنیا چیز دیگری است و به‌نظر می‌رسد که کائنات و دنیا به شکل دیگری طراحی شده و کنار آن نقص‌ها و کمبودهاست که تلاش برای برطرف کردن‌شان سبب رشد می‌شود. در کنار این‌که، بله کودک